

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده تاریخ

دکتری رشته تاریخ گرایش ایران بعد از اسلام

(عدالت‌خواهی در دوره قاجار؛ گذر از گفتمان به جنبش اجتماعی)

استاد راهنما
دکتر علیرضا توانی ملایی

استادان مشاور :

دکتر عبدالرحمن حسنی فر و دکتر داریوش رحمانیان

پژوهشگر :

مسعود آتشگران

۱۹ بهمن ماه

۱۳۹۴

قدردانی

از استاد ارجمند جناب آقای دکتر ملایی توانی استاد راهنمای پژوهش حاضر که با راهنمایی‌های دلسوزانه و عالمانه خویش اینجانب را مورد عنایت و توجه قرار دادند تشکر می‌نمایم که افزون بر رهنمودهای بی‌دریغ خود نکات ارزنده‌ای جهت حصول به نتیجه مورد نظر ارائه نمودند. همچنین از اساتید محترم جناب آقای دکتر حسنی فر و جناب آقای دکتر رحمانیان که با سمت استاد مشاور به رغم مشغله فراوان با صبوری بنده را از مزایای خود بهره‌مند ساختند و در موارد متعددی از نکته‌سنجی‌هایی که نتیجه دانش و تجربه آنان می‌باشد صمیمانه سپاسگزارم. در پایان از اساتید محترم داور جناب آقای دکتر محمدعلی اکبری و سرکاران علیه خانم دکتر سیمین فصیحی و دکتر الهام ملک‌زاده کمال قدردانی دارد که با بذل توجه و صرف وقت، پژوهش حاضر را با دقتی مثال‌زدنی مطالعه کرده و آن را از تیغ نقادی‌های خویش عبور دادند که موجب بهره‌مندی بنده را از دیدگاه‌های ارزشمند آن بزرگواران فراهم آورد. بنابراین یک بار دیگر از تک‌تک اساتید محترم که در طی مراحل مختلف بنده کمترین را همراهی کردند اظهار سپاسگزاری نموده و برایشان از پروردگار متعال آرزوی توفیق روزافزون دارم.

مسعود آتشگران

سپاس‌گزاری

از خانواده محترم خود به خاطر همراهی‌شان کمال تشکر دارم، بی‌شک اگر فداکاری همسرم و تحمل فرزندانم فاطمه و محمد شامل حالم نمی‌شد این پژوهش به سرانجام نمی‌رسید. پیشاپیش از سختی‌ها و مرارت‌هایی که به سبب این مشغله پذیرا شده و به رویم نیاوردند ممنون‌شان هستم و اثر حاضر را به این سه عزیزتر از جانم تقدیم می‌نمایم.

چکیده

به دنبال تضعیف بنیان‌های اقتصادی-سیاسی کشور در دوره قاجار با مداخله دول روس و انگلیس، نفوذ اندیشه‌مدرن در ایران و فشار دولت بر بازرگانان و علما، مقدمات جنبش عدالت‌خواهی هموار شد. این زمان با تکاپوی برخی از ایرانیان گفتمان قدیم و مدرن با هم تلاقی یافت و گفتمان تحرک‌بخشی را شکل داد که تاریخ‌ساز شد. اینکه گفتمان عدالتخانه به چه میزان با مفهوم عدالت در گفتمان دینی و سنت رایج جامعه و گفتمان مدرن در پیوند بود و چه پیامدهایی داشت مسأله مورد بحث پژوهش حاضر می‌باشد. نگارنده با استفاده از روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه قصد دارد تلقی جریان‌های اصلی معترض و مخالف را از عدالتخانه در چارچوب ساختار گفتمانی نشان دهد که در سایه غیریت‌سازی هویت می‌یابد و در یک فرایند پیچیده گفتمان موازی رقیب را از عرصه اجتماعی حذف کرده و خود به جای آن می‌نشیند. براین اساس تحولات ساختاری در جامعه ایران دوره مشروطه که حوزه مفهومی عدالتخانه را تا حد مجلس دارالشورای ملی گسترش داد بر اثر تضعیف گفتمان حاکم و هژمونیک شدن گفتمان موسوم به عدالتخانه بر عرصه اجتماعی حاصل شد که پیامد رابطه دیالکتیک میان ساختار و رخداد در هر گفتمان می‌باشد.

واژگان کلیدی: عدالت‌خواهی، گفتمان عدالتخانه، گفتمان حاکم، هژمونی، تحلیل گفتمان، جنبش مشروطه.

فهرست کامل

چکیده	۶
	۱۱
کلیات	۱
۱. بیان موضوع و طرح مسئله	۲
۲. پرسش اصلی	۳
۳. پرسش‌های فرعی	۳
۴. فرضیه	۴
۵. چارچوب مفهومی	۴
۶. چارچوب نظری	۷
۷. اهم شاخص‌های مندرج در نظریه تحلیل‌گفتمان لاکلا و موفه	۹
۸. روش تحقیق	۱۰
۹. اهداف پژوهش، فایده و اهمیت موضوع	۱۱
۱۰. سازمان‌دهی تحقیق	۱۲
۱۱. ادبیات پژوهش	۱۳
۱۲. پیشینه پژوهش	۱۶
۱۳. نقد منابع	۲۲

بخش اول: برخورد نظم گفتاری کهن با تمدن غربی ۲۷

فصل اول – بستر تاریخی گفتمان‌سستی حاکم	۲۸
درآمد	۲۹
دادگری در اندیشه سیاسی شاه‌آرمانی	۳۰

۱-۱- عدل و داد خواهی در عهد باستان ۳۰

۱-۲- عدل خواهی ایرانیان در ادوار اسلامی ۳۱

۱-۳- عدل و داد از دیدگاه فیلسوفان و سیاست ورزان ایرانی ۳۴

۱-۴- عدالت از نگاه علمای شیعه دوره اول قاجار ۴۰

۱-۵- عدالت از دید علمای شیعی دوره میانی قاجار ۴۷

۱-۶- نمودار میان دو اندیشه سیاسی ۵۳

فصل دوم- گفتمان روشنفکری، مروج روایتی نو از عدالت ۵۴

درآمد ۵۵

۱-۱- جریان روشنفکری یا رسوخ گفتمان مدرن در دولت ۵۶

۱-۲- دیدگاه روشنفکران ایرانی درباره عدالت ۵۸

۲-۳- نمودار میان دو اندیشه قدیم و جدید ۶۶

فصل سوم- ساختار قضایی دوره قاجار ۶۷

۱-۳- ساخت قضایی در اوائل دوره قاجار ۶۸

۲-۳- تحولات تشکیلات قضایی در دوره امیرکبیر ۶۹

۳-۳- وضعیت نظام قضایی ایران بعد از امیرکبیر ۷۱

۳-۴- تحول ساختار قضایی در ایران و طلبعه عدالتخانه ۷۴

۳-۵- آخرین گام حکام قاجار و نظام کهن ناکام در عدل گستری ۷۷

۳-۶- جامعه ایران و دستگاه دادرسی دوره مظفری ۷۹

بخش دوم- تحولات گفتمانی زمینه ساز جنبش اعتراضی ۸۲

فصل اول- نواندیشان و تحول در حوزه مفهومی عدالت ۸۳

درآمد ۸۴

۱-۱ ناصرالدین شاه مظهر دادگری یا خودکامگی ۸۵

۲-۱- نواندیشان عدالت خواه در تعارض با عدل خواهی کهن ۸۹

۳-۱- جدال اندیشه قدیم و جدید بر کانون عدالت خواهی ۹۴

۴-۱- نمودار تحول و تفاوت گفتمانی در جامعه ایران در آستانه جنبش اجتماعی ۱۰۳

فصل دوم- جنبش اجتماعی و تحول در گفتمان عدالتخانه با مطالبه مشورت خانه ملی ۱۰۴

۱-۲- بستر تاریخی عدالتخانه خواهی ۱۰۵

۲-۲- ایران در آستانه جنبش عدالت خواهی به روایت تاریخ ۱۰۷

۳-۲- آغاز جنبش اول عدالت خواهی با فلک شدن تجار قند ۱۱۳

۴-۲- تأثیر دیدگاه ملیون در بسط حوزه مفهومی عدالتخانه ۱۱۷

۵-۲- علمای مخالف با جنبش عدالتخانه خواهی ۱۱۹

۶-۲- پیامد حاصل از انفعال دولت و تشدید اقدامات ملیون ۱۲۰

۷-۲- جنبش دوم عدالت خواهی؛ تبعید علماء و حادثه سرپولک ۱۲۱

۸-۲- بست نشینان در سفارت انگلیس؛ عاقبت عدالت خواهی ۱۲۴

۹-۲- نتیجه ۱۳۲

فصل سوم- فرایند هژمونیک شدن گفتمان جدید در ایران با مشروطه خواهی ۱۳۵

درآمد ۱۳۶

۱-۳- گفتمان عدالتخانه از دید علما و مردم ۱۳۷

۲-۳- گفتمان نواندیشی و تحول در مفهوم عدالتخانه ۱۴۴

۳-۳- انفعال گفتمان حاکم در برابر علمای سنت اندیش و نواندیشان ۱۴۷

۴-۳- تحول گام به گام در گفتمان و حوزه مفهومی عدالتخانه ۱۵۱

۵-۳- تفاوت گفتمانی بستیان سفارت با علمای مهاجر قم ۱۵۶

۱۶۳ نتیجه ۶-۳

بخش سوم - استقرار گفتمان مدرن در ایران و برخورد آن با ساختار گفتمانی کهن

۱۶۵

فصل اول - تحولات سیاسی با ساختار گفتمانی نوظهور

۱۶۷ ۱-۱- طلیعه ساختی جدید در جامعه ایران از پی عدالت خواهی

۱۷۴ ۲-۱- دو گانگی جامعه و رویارویی گفتمان قدیم و جدید

۱۷۸ ۳-۱- متمم قانون اساسی سرآغاز جدال مشروطه خواه و مشروطه خواه

۱۸۶ ۴-۱- نمودار دو گفتمان رقیب در جریان مشروطه خواهی براساس مکتوبات موجود

فصل دوم - کنش اجتماعی مشروطه خواهان و مشروطه خواهان از منظر درون و برون گفتمانی

۱۸۸ ۱-۲- زمینه تاریخی

۱۹۰ ۲-۲- علمای سنت اندیش و تمدن غربی

۱۹۶ تقابل مواضع علمای نوآور و سنت اندیش در تفسیر از عدل، شرع و حکومت

۱۹۶ ۳-۲- تفاوت گفتمانی آخوندخراسانی و شیخ فضل الله نوری

۲۰۴ ۴-۲- تفاوت گفتمانی میرزای نائینی و شیخ فضل الله نوری

۲۱۰ ۵-۲- نتیجه

فصل سوم - ساختار محاکم دادرسی نوین و سرانجام عدلیه خواهی

۲۱۳ ۱-۳- زمینه تاریخی

۲۱۴ ۲-۳- نقش مجلس شورای ملی در تحولات محاکم دادرسی

۲۱۹ ۳-۳- تنظیم قوانین دادرسی در سایه کشاکش مجلس مشروطه و مشروطه خواهان

۲۲۲ ۴-۳- جدول تناظر مفاهیم در دو نظام دانایی

۲۲۳ **کتابنامه**

کلیات

۱. بیان موضوع و طرح مسئله

در اوائل قرن چهاردهم قمری در پی ایجاد نیاز در فضای اجتماعی ایران گفتمانی اشاعه یافت که استقرار قانون را پیش‌زمینه‌ای برای اجرای عدالت در جامعه تلقی می‌کرد تا به رفع مظالم و نجات کشور مبادرت نماید که در نتیجه مداخله خارجی و استبداد داخلی اوضاع آشفته‌ای یافته بود. این پژوهش در پی آن است مفاهیم اصلی این گفتمان موسوم به عدالتخانه و نسبت آن را با گفتمان حاکم و گفتمان مدرنیته دریابد تا به دیالکتیک موافقت و مخالفت آن از سوی ایرانیان در فرایند مشروطه‌خواهی دست یابد. در همین راستا ابهامات متعددی درباره چرایی خواسته قضایی رهبران در جنبش اول عدالتخانه وجود دارد و برخی آن را اساساً جنبشی مشروطه‌خواهی قلمداد کرده‌اند. از جانب دیگر تقاضاهایی مبتنی بر اصلاح اداره کشور با بی‌توجهی روبرو شده که گاه تا مرز مشروطه‌خواهی پیش رفته است که از علل و عوامل افزایش مطالبه سران جنبش در مرحله دوم بود، این اتفاق سبب تحول در حوزه مفهومی عدالتخانه شد که از مهم‌ترین مباحث در این حوزه است.

بنابراین مسأله اصلی این پژوهش چیستی پدیده عدالت‌خواهی و چگونگی شکل‌گیری این اندیشه در دوره قاجار و تحول آن در قالب گفتمان و جنبش عدالتخانه می‌باشد، اینکه جنبش فکری و اجتماعی نتوانست اندیشه عدالت‌خواهی را با شاخصه‌های معین چارچوب بندی نماید و نظریه‌ای از درون آن ارائه دهد در ربط با پذیرش بخشی از سنت و مدرنیته و رویگرداندن از بخش دیگری از این دو ساحت قابل بررسی می‌باشد که در چنین شکلی نتوانست بر دوگانگی موجود در جنبش ملی ایرانیان فائق آید تا جامعه با انتظاراتی هماهنگ با شتاب بیشتری به اهداف خود برسد.

بدیهی است بررسی این موضوع مستلزم فهم تلقی ایرانیان از مفهوم سنتی عدالت و درک مبانی فکری و معرفتی آن از یک سو و نسبت آن با مفهوم تازه عدالت‌خواهی از دیگر سو است که ریشه در مدرنیته غربی و اقتضائات

دنیای جدید داشت، به همین منظور باید در هر دو عرصه نظر و عمل به فرایند تکوین اندیشه عدالت‌خواهی و نیز ساختار قضائی ایران از جمله تأسیس محاکم عدلیه، وزارت عدلیه و از عدالتخانه تا مشروطیت همت گماریم تا به دریافتی درست از علل و عوامل نوسازی و تحول در جریان‌های اندیشگی و ساختاری عهدقاجار دست یابیم و بدانیم چه محدوده‌ای از آن حرکت درون‌زا و ناشی از نگرش‌های سنتی به مفهوم عدالت بود و چه میزان تحت تأثیر عوامل بیرونی به ویژه اندیشه مدرن قرار داشت. اینکه سرانجام این جنبش چه تأثیری بر اصلاح ساختار قضایی ایران نهاد؟ جنبش عدالتخانه از چه مبانی فکری و معرفتی برخوردار بود و چگونه به اندیشه‌ها و خواسته‌های عدالت‌خواهی عهدقاجار پاسخ گفت؟ همچنین تکاپوی نواندیشان از روحانی و غیر روحانی در طرح عدالت‌خواهی و نسبت آن با مطالبات مردمی یا خاستگاه و آبخور گفتمان عدالتخانه و منشأ تفکر آن و نسبت‌اش با تلقی‌های سنتی و دینی از عدالت، بخشی از مسائل مطروحه این رساله است.

۲. پرسش اصلی

چرا و چگونه گفتمان عدالت‌خواهی مدرن در دوره میانی قاجار شکل گرفت و در پی ایجاد جنبش سیاسی-اجتماعی، گفتمان جدید در جامعه ایران هژمونیک شد؟

۳. پرسش‌های فرعی

(۱) مفهوم عدل و داد در اندیشه سیاسی دوره قاجار در ایران چه بود و در برخورد با دنیای جدید و

تمدن غربی چه واکنشی داشت؟

(۲) زمینه‌های سیاسی-اجتماعی شکل‌گیری گفتمان عدالتخانه چه بود؟ و در چه نسبتی با اندیشه مدرن

قرار داشت؟

۳) عدالت در زمان وقوع جنبش اجتماعی چگونه معنا می‌شد و براساس کدام گفتمان و نظام‌معنایی

پیش می‌رفت؟ موانع نظری و عملی احتمالی بر سر اشاعه آن چه بود؟

۴) گفتمان عدالت‌خواهی چرا و چگونه با جنبش مشروطه پیوند یافت؟ آیا نظام مشروطه توانست به

مطالبات عدالت‌خواهانه پاسخ گوید؟

۴. فرضیه

گفتمان سنتی عدالت‌خانه در پی اشاعه گفتمان مدرن در ایران با آن تلاقی یافت و متحول شد، ساخت نظم گفتاری آن دیگرگونه و سطح انتظارات مردم از عدالت‌خانه به مجلس شورای ملی ارتقاء یافت و در پی آن نظام سلطنت مشروطه حاکم شد.

۵. چارچوب مفهومی

با توجه به پارادایم عام پذیرفته شده دوره مدرن که شناخت نمی‌تواند محصول تجربه بی‌واسطه از طریق حواس انسانی باشد و دریافت ما از جهان به گونه‌ای بستگی به پیش‌فرض‌های نظری و چارچوب مفهومی مورد استفاده ما دارد، آنچه را شاهد ادعای خود قرار می‌دهیم به نحوه مفهوم‌سازی ما از جهان گره خورده است. از این رو مشاهده نابی وجود نداشته و هیچ واقعیتی مستقل از پیش‌فرض‌های مفهومی پیشینی ما وجود ندارد. با این وضع مشاهده به نظریه وابسته است اما این وابستگی نبایستی با جبر نظریه اشتباه گرفته شود. در این میان چارچوب مفهومی می‌تواند بخشی مهم از یک دیدگاه نظری باشد که می‌کوشد جهان اجتماعی را بر پایه نظامی از مفاهیم مرتبط به نمایش بگذارد، (بلیکی، ۱۳۷۸: ۲۲۰) این پژوهش نیز بر بنیان موضوع و روش ویژه خود از مفاهیم چندی بهره گرفته است که در ذیل اهم موارد آن می‌آید:

گفتمان- این واژه بر یک حوزه مفهومی اشاره دارد که بر بستر نظامی از اندیشه‌های کلامی، معارف، فلسفه و دانشی ویژه استقرار یافته است که بر اذهان محدوده نفوذ خود تأثیر گذاشته و آن را به انقیاد خود درمی‌آورد، بنابراین معانی واژه‌ها براساس مواضع به کار گیرندگان آن تعیین می‌شود و احیاناً تغییر می‌کند. باری در این مفروض انگاره اجتماعی حاکم بر جوامع به منزله تعیین خط مشی عمل می‌کند و تکلیف آحاد در رعایت بایدها و نبایدها و به تعبیری نظام ارزشی در یک جامعه تعیین می‌یابد که این مهم تنها از طریق هژمونیک شدن گفتمان بر عرصه اجتماعی امکان‌پذیر می‌باشد. بنابراین آن چه در این نوشتار گفتمان را از اهمیت برخوردار می‌سازد گذر از متن و توجه به فرامتن در گفتمان است و اینکه چرا و چگونه گفتمان‌ها با هم در تعارض قرار می‌گیرند و به رقابت می‌پردازند.

عدل و داد- به طور قطع مفهوم "عدل و داد" نزد ایرانیان از روزگار دور تا زمان حاضر مهم‌ترین واژگان در این سرزمین بوده است که تا دوره متأخر قاجاریه از دریچه گفتمان سنتی حاکم هستی یافته و در پندار ایرانی در پیوند با فرمانروا معنا می‌یافته است. به واقع عدل خواهی به سان یک مطلوب و آرمان همواره مدنظر بوده که اقامه عدل و بسط دادگری در جامعه اصیل‌ترین شعائر محسوب گردیده است. پیامد چنین وضعی بر پایه نظریه فره‌ایزدی و ظل‌اللهی پذیرش ارزش‌های ویژه از جمله اطاعت‌پذیری عامه از پادشاه و بندگی خودخواسته مردم می‌باشد که باور ایرانیان را برساخته بود. بر این اساس عدالت در دو مفهوم عمده "اعتدال" در معنای "دوری از افراط و تفریط" و "انصاف" در معنای "قرار گرفتن هر چیز در جای خود" معنا می‌شد. گرچه از ادوار باستانی تا دوره قاجار میان گفتمانی سرکوب شده در جامعه ایران اجرای عدل و داد را موکول به تفسیری "مساوات‌گرایانه" می‌کرد، اما همواره گفتمان حاکم آن را طرد می‌نمود.

از میانه عهد قاجار با ورود مدرنیته به ایران تعریف دیگری از عدالت مطرح شد که در پیوند با مفاهیم مساوات و آزادی، "قانون" را ابزاری کارآمد جهت تحقق سعادت انسان‌ها قلمداد می‌کرد. این اتفاق آرمان عدل‌خواهی ایرانیان را دستخوش تغییراتی کرد که در بستر تحولات جنبش اجتماعی امکان بروز یافت، طوری که سنت‌گرایان با برداشتی سنتی از دین و از دریچه اندرزنامه‌گویان عهد باستان عدالت را دنبال می‌کردند و ملیون با تمسک به مدرنیته دریافتی دیگر از آن داشتند که در عمل حاملان دو دیدگاه را در تضاد قرار می‌داد. در این قسمت برای تأثیر دو ساحت سنت و مدرنیته بر انسان این دو مفهوم مرور می‌شود.

سنت - برخی معنای سنت را در نتایج آن جستجو کرده‌اند چنان که داوری‌اردکانی آن را در معنای قاعده و رویه‌ای می‌داند که قائم به اراده و عقل خود بنیادانگار افراد آدمی نباشد بلکه با عقلانیت حاکم بر تجدد ناسازگاری نشان دهد، (داوری‌اردکانی، ۱۳۷۸: ۳۵۳ و ۳۵۴) آنتونی گیدنز از دیدگاه جامعه‌شناختی سنت را شیوه‌ای از سازماندهی کنش و تجربه قلمداد می‌کند که دارای چهار خصلت ذیل باشد: ۱- بهره‌مندی از نظام خویشاوندی به مثابه شبکه‌ای از پیوندهای اجتماعی ۲- نفوذ کیهان‌شناسی مذهبی که تفسیرهای اخلاقی و عملی از زندگی اجتماعی و جهان طبیعی بدست می‌دهد. ۳- غیرمتحرک و منزوی بودن کلیت جامعه در این دوره ۴- شیوه سازماندهی سنت در امور جامعه که تنها نظر به گذشته دارد. (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۰ تا ۱۲۳) عناصر چهارگانه مزبور در این فضای از زیست بشری قادر شدند زمان و مکان را چنان در تعلیق نگاه دارند که ایستگاری و جزمیت از شاخصه‌های اصلی دوره پیشامدرن باشد. البته سخن از سنت و مدرنیته در این رساله فقط یک بحث نظری و عملی نیست بلکه تعارض میان سنت و تجدد بایستی هم‌پای با کنشگران در بزنگاه تاریخی نمایان گردد، هنگامی که آنان لاجرم دست به انتخاب می‌زنند.

مدرنیته - مدرنیته در ساده‌ترین صورت شکل مختصر شده تعبیر جامعه‌مدرن یا تمدن صنعتی است، شامل مجموعه معینی از طرز تلقی‌ها نسبت به جهان و ایده‌های مربوط به آن به عنوان جهانی آزاد برای تغییر به دست انسان و با دخالت وی، بنابراین تضاد با سنت در پیوند ذاتی با مفهوم مدرنیته می‌باشد. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۶۵ و ۴۴) در واقع ساحت مدرنیته در برابر سنت مشی جدیدی است که در ساحت خرد انسانی حیات یافته و شاخصه‌های آن نتیجه تجربه زیسته در اروپای عصر رنسانس می‌باشد که ابتدا با رخنه در حصار استوار جزمیت زمینه رشد شکاکیت را فراهم آورد. در واقع با جایگزین شدن شکاکیت سازنده بر جزم‌اندیشی بود که فضای تازه‌ای بر سنت، فرهنگ، اخلاق و ... سایه افکند (یثربی، ۱۳۸۶: ۵۴) که ساخته و پرداخته آراء اندیشمندان اروپایی به ویژه دکارت و کانت بود که با "تغییر قواعد اساسی دانش" به طور مشخص در افکار روشنگران قرن هجدهم ظهور یافت. وضعیت جدید که از آن به رویکرد عقلانی یاد می‌شود با رشد جریان علمی و خردباوری میسر گشت که بر پایه عقل خودبنیاد هرگونه نیروی معنوی بیرون از حوزه خرد انسانی را نخست بی‌اعتبار کرده آنگاه یکسره مورد انکار قرار داد، بر فهم اعتبار قوانین زندگی زمینی تأکید می‌ورزید و به سنت‌ها، نهادها و نیروهای کهنه انتقاد وارد می‌نمود، بر این اساس در جوامع مدرن جامعه بنا به قوانین انسانی اداره می‌شود نه بر مبنای قوانین آسمانی. (احمدی، ۱۳۷۳: ۹ تا ۱۱) در این آموزه اخلاقی تنها انسان از درجه اهمیت برخوردار بوده و الگوی مدرنیته با دین ملازمت و مناسبت ذاتی ندارد، از این دید کوشش در اثبات این نسبت ساده‌لوحانه می‌باشد و توجیهی ندارد. (داوری‌اردکانی، ۱۳۷۸: ۳۵۴ و ۳۵۵)

۶. چارچوب نظری

در دوره‌های اخیر روش‌های کیفی برای ارزیابی پدیده‌های انسانی و اجتماعی به کار گرفته می‌شود، به ویژه آن‌ها با نشان دادن کیفیت و شیوه زندگی مورد توجه هستند، (ملایی‌توانی، ۱۳۸۶: ۱۷۵) روش تحلیل‌گفتمان

یکی از فنون تحلیل پژوهش‌های میان رشته‌ای است که با در نظر گرفتن منابع مکتوب موجود بر فهم اغراض و مقاصد افراد در زیست اجتماعی خود و نیز در شرایط پیدایش رخدادها تمرکز می‌کند. به ویژه که نظریهٔ لاکلا و موفه با ترکیب و تغییر دو سنت نظری مارکسیسم و ساختارگرایی بنا شده و به تعبیری در ربط "اجتماع" و "معنا" ایجاد گشته است، (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۵۳) حال اگر بخواهیم امر واقع را تبیین و تحلیل کنیم باید انسان‌هایی را که آن رخدادها را ایجاد کرده و آن را احساس نموده‌اند یا دربارهٔ آن اندیشیده‌اند در نظر داشته باشیم (مکنیل، ۱۳۷۶، ۱۳۹)

باری با عنایت به وضعیت‌های اجتماعی و پدیده‌های وابسته به موضوع مورد پژوهش از فن تحلیل گفتمان در نظریهٔ لاکلا و موفه استفاده می‌شود تا در کاربست تاریخی خود بر فرایند هویت‌یابی گفتمان‌ها دست یازد، اینکه هر گفتمان به چیزها یا رویدادها در چارچوبی از معانی مفهومی خاص می‌بخشد مفهومی که مختص همان نظام‌معنایی است و اساساً پدیده‌ها زمانی معنا دار و قابل فهم می‌شوند که در نظم گفتمانی خاصی قرار بگیرند (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، ۳۳۹ تا ۳۶۰) که در نتیجهٔ فرایند هژمونی به تثبیت هویت گفتمان‌ها می‌انجامد. بنابراین گفتمان در یک فرایند از طریق منطق سیاسی ویژهٔ خود و چارچوب مفهومی در اختیار در برابر دیگر گفتمان‌های رقیب قرار می‌گیرد، این مخاصمات گفتمانی می‌تواند در تکوین هویت اولیهٔ عناصر، نمادها، اعمال و نشانه‌های گفتمانی چنان دگرگونی ایجاد کند که هویتی جدید بیابند. در چنین وضعی با مفاهیم متعددی روبرو هستیم که در ذیل به ایجاز دربارهٔ آنها توضیحاتی می‌آید.

۷. اهم شاخص‌های مندرج در نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه

دال مرکزی: به شخص، نماد یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند دال مرکزی گویند که به مثابه عمود خیمه است که اگر فرو ریزد سایر مفاهیمی که در یک زنجیره هم‌ارز با آن قرار دارند دچار فروپاشی می‌شوند و از اعتبار می‌افتند.

عناصر و وقته: نشانه‌ها و مفاهیمی که گفتمان‌های مختلف می‌کشند براساس ساختار نظام‌معنایی خود به آن معنا بخشند عناصر گویند. دال‌هایی که بدین گونه حول یک دال مرکزی جمع می‌شوند و به ایفای نقش در گفتمانی خاص می‌پردازند وقته نامند.

مفصل‌بندی: در عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون چنان ارتباطی ایجاد می‌شود که یک کلیت منسجم و نظام‌مند بدست می‌آید که گفتمان را پدید می‌آورد.

موقعیت سوژگی: فضایی گفتمانی است که هویت فرد در آن به او تفهیم و تلقین می‌شود به نحوی که او تلاش می‌کند واقعیت بیرونی را به آرمان درونی خویش نزدیک کند، آرمانی که فرد در فرایند هویت‌یابی خویش به آن نائل شده است.

غیریت‌سازی: اساساً فرایند هویت‌یابی یک گفتمان در فضایی از تعارض و ضدیت شکل می‌گیرد، از این‌رو گفتمان‌ها مدام در حال غیریت‌سازی هستند.

منزوی و برجسته‌سازی: این دو مفهوم به اشکال مختلف در عرصه منازعات گفتمانی ظاهر می‌شوند. در این تاکتیک گفتمان حاکم با برجسته‌سازی دال‌های موردنظر خود و حاشیه‌رانی نظام‌معانی و دال‌های گفتمان رقیب

به تثبیت خود اقدام می‌ورزد و می‌کوشد نقاط ضعف خود را بپوشاند در عوض نقاط ضعف رقیب را برجسته سازد.

بی‌قراری: در واقع تثبیت و انسداد در معنای نشانه‌ها دائمی نیست و امکان تغییر در معنای آن محتمل است از این رو به آن وقته می‌گویند. بنابراین هنگامی که در معنای تثبیت شده تزلزل ایجاد می‌شود مفهوم یا نشانه در معرض بی‌قراری واقع می‌شود.

هژمونی: گفتمانی که بتواند با تولید و تثبیت معنا در رقابت با گفتمان معارض آن را تضعیف نموده و به کسب قدرت پردازد طوری که بر عرصه اجتماعی مسلط گردد. چنین استیلائی بر عرصه خارجی را به اصطلاح هژمونیک شدن آن می‌دانند.

۸. روش تحقیق

در این پژوهش روش تحقیق، تبیینی - تفسیری است، روش تبیینی برای نمایان ساختن علل شکل‌گیری واقعه مورد بحث با ارجاع به علل مقدماتی و زمینه‌ساز و نیز آشکار نمودن پدیده مورد نظر به مثابه فرایند نهایی آن بر بستر تاریخی است که با عنایت به عوامل درگیر در واقعه انجام می‌شود و همه عرصه‌های اندیشه، رفتار انسان و سیر تحول جامعه را در بر می‌گیرد. از نظر داعیه داران ملهم از مکتب پوزیتیویسم همان طور که این رویکرد کاربرد بی‌بدیلی در علوم طبیعی دارد بنابراین می‌توان با کاربرد روش تجربی در حوزه علوم اجتماعی و تاریخی به توضیح چرایی و چگونگی پدیده‌های اجتماعی و در نتیجه استنتاجات علمی در این حوزه رسید که به کشف رابطه علی و معلولی در موضوع پژوهشی منتهی می‌شود و نسبت میان عامل یا عوامل درگیر با واقعه را معین می‌نماید. لیکن امروزه راز عیوب و کاستی‌های این روش در ساحت علوم انسانی و تاریخی آشکار شده است، چنان که وبر با الهام از دیلتای می‌پنداشت این علوم در وهله اول به معنا می‌پردازد، این بینش آغازگر سنتی